

جلوه نمازهای مستحبی در متون فقهی و ادبی

دکتر محمدحسین ایران دوست
استادیار و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خمینی شهر

◆ چکیده:

نمازهای مستحبی در متون فقهی منزلت ویژه‌ای دارد. این نمازها را از آن جهت «نافله» می‌گویند که افزون بر واجبات است. به تعبیر دیگر عطیه و بخشش غیر واجب است که از فردی صادر می‌شود. وجه تسمیه نمازهای مستحبی به «نافله» از جمله نکاتی است که بر حکمت وجود این نمازها دلالت دارد. در فقه شیعه احکام و آداب نمازهای مستحبی به نحوی بیان شده که با آداب و احکام فقهی نمازهای واجب کاملاً متفاوت بوده و از سادگی و سهولت بیشتری برخوردار است. گویا شارع مقدس برای نوافل تسهیلات بیشتری قائل شده و رخصت داده‌اند تا به شکل ساده و آسان، این نمازها اقامه شود. در این مقاله پس از تبیین معانی «نافله» در متون ادبی و کاربرد آن در شعر فارسی، جایگاه فقهی نوافل در متون فقه شیعه و سنی بیان شده و استثنائات وضع شده در نوافل مورد توجه قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: نقل، نافله، کراهت نوافل، جعل استثناء در نوافل

معانی نافلة

«نفل» ریشه کلمه «نافله» در زبان عربی است. در لغتنامه‌های عربی برای کلمه «نفل» حدود ۶ معنی ذکر کرده اند. یکی از این معانی «غنیمت» است. واژه «انفال» با همین معنی جمع «نفل» است. معنای دیگر «عطا و بخشش» است. در کلمه «نافله» همین معنا مستتر است. زیرا نافلة عبارت است از عطا و بخششی که بعد از فریضه و تطوع انجام می‌شود. بنابراین صدقه و هر کار خیر و همه اعمال مستحبی «نافله» نام دارد. «تنفل» به معنای تطوع و استحباب بکار رفته و «نوفل» به معنای مردی است که عطا و بخشش بسیار دارد.

«فرزند فرزند» معنای دیگر کلمه «نافله» در لغت عرب است. همچنین نوعی از گیاهان را «نفل» می‌گویند.

نافله در متون نظم و نثر فارسی در چند معنی بکار می‌رود:

۱. دهش، عطیه غیر واجب:

هر عطیه‌ای را که بخشنده‌اش بدان تبرع جوید نافلة گویند. مثلاً صدقه یا هر کار خیر، دهش و عطیه غیر واجب است که در متون فارسی به آن نافلة گویند.

۲. غنیمت:

در فرهنگ لغت آندراج که ابتدای قرن چهاردهم در جنوب هند توسط محمد پادشاه متخلص به شاه ولد نوشته شد، یکی از معانی نافلة را «غنیمت» ذکر کرده است. در دیگر کتب لغت فارسی همین معنا برای کلمه «نفل» آورده شده است.

۳. فرزند فرزند:

معنای دیگری که در فرهنگ لغات فارسی برای نافلة ذکر شده است، نیره یا فرزند فرزند است. این معنا با توجه به آیه ۷۲ سوره انبیاء که به حضرت ابراهیم (ع) می‌گوید: «و وهبنا له اسحق و یعقوب نافلة» ذکر شده است.

حضرت ابراهیم از خدای فرزند خواست، خدای تعالی اسحاق را به او عنایت فرمود. و سپس یعقوب را به اسحاق داد، در تفسیر فارسی گازر آمده است:

فرزند فرزند را «نافله» برای آن گویند که فرزند زاده بر فرزند زیادت است. چنانکه نماز نافله بر فریضه زیادت است و غنیمت را نفل برای آن خوانند که آن زیادتی است که این امت را بود و کس دیگر را نبود از امتان گذشته.

و در تفسیر فارسی ابوالفتوح رازی آمده است: «و بدادیم او را، یعنی ابراهیم را، اسحاق و یعقوب و یعقوب بر سری، و یعقوب پسر اسحاق بود و پدر یوسف، و قوله: نافله‌ای زیادت، و برای آن زیاده خواند او را که فرزند زاده بود.»

ملا فتح اله کاشانی در تفسیر زیبای فارسی خود ضمن توضیح این آیه، به دیگر معانی

نافله هم اشاره دارد:

«و بخشیدیم مرا ابراهیم را از ساره که دختر عم او بود پسری نام او اسحاق، و دادیم او را نبیره یعقوب نام، (نافله)، در حالی که آن عطیه بود از ما زائد بر سؤال او. چه پسری از ما درخواست و ما پسری و نبیره به او کرامت فرمودیم. و گویند که عرب، ولد ولد را نافله می‌خواند به جهت آنکه زیاده است بر فرزند. همچنانکه نمازی که بر فریضه زیاده است آن رانافله می‌خوانند. و غنیمت را نفل می‌گویند به جهت آنکه زیادتی است مخصوص به امت مرحومه.»

۴. عبادت غیر واجب:

آنطور که دکتر میرزا علی‌اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء در فرهنگ لغت خود اشاره کرده است «نافله» یعنی عبادتی که واجب نبوده و یا انجام دادن عملی که بر تو واجب نباشد و یا آنچه زائد بر فریضه باشد. و نیز احمد میدانی نیشابوری در فرهنگ لغت خود بنام «السامی فی الاسلامی» آورده است که نافله یعنی طاعت که نه فریضه بود.

مرحوم دهخدا «نافله» را معادل طاعت زیاده و طاعت افزونی و طاعتی می‌داند که نه

فریضه بود و نه سنت.

نافله در شعر فارسی

در شعر فارسی غالباً نافله به معنای عبادت غیر واجب و در برابر فریضه بکار رفته است. خاقانی در مدح خاقان اعظم جلال الدین شروانی ترجیع بندی دارد که در یکی از بندها که با ردیف «به صبح اندر» تنظیم شده است، نافله را مقابل فریضه و به معنای عبادت غیر واجب بکار برده و چنین می‌سراید:

برکوس نوای نو، بردار به صبح اندر
گلگون چو شفق کاسی پیش آر به صبح اندر
در سیزده ساعت شب، صد نافله کردستی
با چارده مه فرضی بگذار به صبح اندر

مسعود سعد سلمان شاعر نیمه دوم قرن پنجم، در قصیده‌ای در مدح ابوسعید، نافله را تقسیم فریضه و سنت دانسته و چنین می‌سراید:

لاله رویاند سرشکم تازه در هر مرحله پس بهاری دارد از من در زمستان نافله
من ثنا گویم نخستین پس دعا پس حسب حال که فریضه ست اول آنکه سنت آنکه نافله

بر اساس این تقسیم بندی اعمال به سه دسته فریضه و سنت و نافله تقسیم می‌شوند وی در جای دیگر نافله را مقابل فریضه و به معنای عمل غیر واجب دانسته و می‌سراید:

ای طاعت تو فرض و دگر نافله‌ها وز بخشش تو قافله در قافله‌ها

ملک الشعراء بهار در ترکیب بند مشهور خود که آن را «آئینه عبوت» نامیده است به مسائل سیاسی زمان خود اشاره دارد و روی کار آمدن عین الدوله و امین الدوله و اوضاع سیاسی آن زمان را نقد نموده و در نهایت می‌گوید وضعیت آشفته سیاسی و اوضاع پریشان مملکت تنها با نماز و روزه و نافله، اصلاح نمی‌شود. او در این شعر «نافله» را به معنای نماز و روزه مستحبی آورده است:

این چنین ملکی پریشان مانده دور از قافله کی شود اصلاح با صوم و صلوات و نافله

مولوی نیز در غزلیات خود، گاهی کلمه نافله را مقابل فرض بکار برده و همه اعمال واجب را فریضه و اعمال غیر واجب را نافله می‌داند:

فرض بدو ده‌ای پسر، نفس و نفس زردم گنج و گهرستان از او، از بی فرض و نافله

شیخ محمود شبستری که مثنوی «گلشن راز» خود را در پاسخ به سؤالات امیر حسین هروی سروده، در جواب به آن سؤال هروی که راجع به شرایط شناخت وحدت و ویژگی‌های شناخت عرفانی و معرفت عارف پرسیده است، چنین می‌سراید:

دل عارف شناسای وجود است وجود مطلق او را شهود است

سپس به راه تحصیل شناخت عرفانی پرداخته و می‌گوید:

وجود تو همه خار است و خاشاک برون انداز از خود جمله را پاک
برو تو خانه دل را فرو روب مهیا کن مقام و جای محبوب
چو تو بیرون شدی او ال‌در آید به تو، بی تو جمال خود نماید

آنگاه به قرب نوافل اشاره کرده و معتقد است که نوافل سبب محبوبیت نزد معبود است. آنها به منزله لای نفی هستند که همه الهه‌ها را از خانه دل جاروب کرده و سبب پاکسازی دل می‌باشند:

کسی کو از نوافل گشت محبوب به لای نفی کرد او خانه جاروب

وجه تسمیه نافله در متون فقهی

شیخ طوسی در کتاب مبسوط خود فصلی را تحت عنوان «فی ذکر النفل واحکامه» گشوده و به وجه تسمیه نافله اشاره کرده و می‌گوید اگر امام برای تعدادی از مجاهدین و جنگجویان چیزی را غنیمت قرار دهد آن را «نفل» می‌گویند. این کلمه گاه با حرکت فاء و گاه با سکون فاء تلفظ می‌شود. واژه «نافله» هم از این کلمه است و به معنای زیادت و افزونی است. به همین دلیل نمازهای مستحبی را نافله می‌گویند زیرا آنها زیاده بر فرائض هستند.

نام دیگر نافله در متون فقه

ابن بابویه در کتاب «فقه الرضا» نام دیگر نافله را «السبحه» بیان کرده است. سبحة با ضم سین و فتح حاء به معنای دعا و ذکر است. نماز مستحبی و نافله را سبحة گویند زیرا نمازگزار در آن تسبیح گوی است. در زبان فارسی سبحة به معنای مهره تسبیح هم بکار می‌رود. زیرا با مهره‌های تسبیح که از گل پخته یا سنگ رنگین، یا اشیاء دیگر ساخته می‌شد به شمارش اذکار و اوراد می‌پرداختند. مثلاً خاقانی چنین می‌گوید:

دیده ام عشاق ریزان اشک دارند از طرب آن همه چون سبحة در یک ریمان آورده‌ام

و در جای دیگر از سبحة افراد ریاکار گریزان است:

حریف صبحم نه سبوح خوانم که از سبحة پارسا می‌گریزم

در هر حال نام «سبحة» برای نافله از سوی امام صادق(ع) بیان شده است. روایتی در بحارالانوار و مستدرک و تهذیب و استبصار و دیگر متون روایی با اندکی تفاوت از امام صادق(ع) نقل شده است که آن حضرت فرموده‌اند: «إذا زالت الشمس فقد دخل وقت الصلاتین الا بین یدیهما سبحة» یعنی وقتی زوال خورشید، زمان اقامه نماز ظهر و عصر است مگر آنکه نافله‌ای

در پیش روی باشد. پس کلمه «سبحه» به معنای نماز نافله است. در بعضی روایات بجای عبارت «وقت الصلاتین» کلمه «الظهر» آمده و به جای «بین یدیهما» عبارت «بین یدیها» ذکر شده است.

چرا نافله؟

اگر نافله زیادتی و افزونی است. و یا عطیه و بخشش غیر واجب است. به چه دلیل از سوی شارع مقدس وضع شده است؟ وضع شیئی زیاده و افزون، چه حکمتی دارد؟

مرحوم ابن بابویه در فقه الرضا به نقل از معصوم می گوید: «انما جعلت النافله لتکمل بها الفریضه» طبق این نظر، تکمیل فرائض و به کمال رساندن آنها، علت وضع نوافل است. فرائض حداقل اعمال عبادی بشر است. اما انسان به این حداقل راضی نیست و در میدان رقابت با دیگران و یا در مراحل رشد و سیر و سلوک قصد دارد تا آنجا که توانایی دارد به مقامات بالاتر واصل گردد.

مرحوم شیخ مفید در مورد علت وضع نوافل از سوی شارع مقدس، چنین نوشته اند: «وانما جعلت النوافل لجبران الفرائض مما يلحقها من النقصان بالسهر فيها والاهمال لحدودها» طبق این نظر، نوافل برای جبران فرائض وضع شده اند. زیرا در طول انجام فرائض گاه اتفاق می افتد که نقصان و سهو و اهمال و سستی در آنها راه یابد. بنابر این با اقامه نمازهای نافله، نقصان نمازهای واجب برطرف می شود. و کسی که در یک شبانه روز ۵۱ رکعت نماز نافله و فریضه بخواند، نمازهای فریضه او پذیرفته می شود. البته این تحلیل از روایتی اقتباس شده که زراره از امام باقر (ع) نقل کرده است: «اذا ادى الرجل صلاه واحده تامه قبلت جميع صلواته و ان کن غیر تامات و ان افسدها كلها لم يقبل منه شيء منها و لم تحسب له نافله و انما جعلت النافله لیتم ما افسد من الفریضه و اذا لم یود الرجل الفریضه لم تقبل منه النافله و انما جعلت النافله لیتم ما افسد من الفریضه»

در این روایت (مؤثقه زراره) چند نکته مهم ذکر شده است:

۱. اقامه یک نماز تام و کامل و صحیح، پذیرش همه نمازها را سبب می شود.
۲. اگر همه نمازها فاسد و باطل باشد نه فرائض را می پذیرند و نه نوافل را.
۳. اگر نمازهای واجب پذیرفته نشود، نوافل هم پذیرفته نیست.
۴. وضع نوافل برای کامل کردن نقصها و کاستیهای فرائض است.

احادیث دیگری هم در فضیلت نوافل آمده که به علت وضع این نمازها اشاره دارد. مثلاً در صحیح محمد بن مسلم آمده است که گاهی تمام نماز بندگان و زمانی نصف نماز آنها و گاهی ثلث یا ربع یا خمس نماز آنها پذیرفته می‌شود. همانا به اقامه نماز نافله مأمور شدیم تا نوافص و کاستیهای نمازهای واجب را با آن تکمیل کنیم.

نافله عطیه است نه افزونی

با توجه به روایات متعددی که تصریح کرده است قبولی همه اعمال در گرو قبولی نمازهای واجب است و اگر فرائض پذیرفته نشد، سایر اعمال نیز پذیرفته نخواهد شد. شارع مقدس عطیه ای به بندگان خود داده است تا بتوانند نقص فرائض را تکمیل کرده و سبب پذیرش نمازهای واجب خود شوند. این عطیه همان «نوافل» شبانه‌روزی است. مجموع سی و چهار رکعت نماز مستحبی در یک شبانه روز سبب رفع نوافص و کاستی‌های نمازهای یومیه شده و پذیرش آن را قطعی می‌سازد. پس اولاً «نوافل» عطیه‌ای از جانب خداست نه از جانب بندگان و ثانیاً از نوع دهش و بخشش است نه افزونی و زیادتیی.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

جعل استثناء در نوافل

شارع مقدس، برخی از احکام نمازهای واجب را در نمازهای مستحبی استثناء کرده و از این رهگذر، انجام نوافل را با تسهیلات بیشتری در نظر گرفته است. بعضی از موارد استثناء در نوافل عبارتند از:

۱. تکبیره الاحرام

در کتاب «فقه الوضا» آمده است که در نمازهای واجب به هنگام تکبیره الاحرام، می‌توان دست را تا محاذات گوش بالا برد اما نباید از این حد تجاوز کرد. اما در نماز نافله این حکم استثناء شده است.

۲. استقبال قبله

در نمازهای واجب در هر حالتی اعم از ایستاده و نشسته و خوابیده که نماز می‌خواند، باید رو به قبله باشد. اما در نوافل این حکم استثناء شده است. در کتب فقهی قدماء تفاوت بین

فریضه و نافله در «صلاه السفینه» بیان شده است. اقامه نماز واجب در کشتی باید با رعایت قبله باشد. پس اگر کشتی چرخید باید مصلی هم بچرخد. اما در نافله فقط تکبیره الاحرام باید رو به قبله باشد. شیخ طوسی جهت بیان اختلاف نظر فقهای شیعه و سنی در این مسئله، می گوید: نمازگزار می تواند در موقع سفر نوافل را بر روی مرکب و در حال راه رفتن بخواند در این حالت کافی است که هنگام تکبیره الاحرام روبرو قبله باشد. اما استقبال قبله بعد از تکبیره الاحرام، ضرورت ندارد. ولی شافعی معتقد است که در سه حالت تکبیره الاحرام و رکوع و سجود رو به قبله باشد. اختلاف دیگری که وجود دارد کوتاه یا طولانی بودن سفر است. شیعه معتقد است انجام نافله به شرح مذکور در سفرهای کوتاه یا طولانی جایز است. اما مالکیه معتقد است فقط در سفرهای طولانی می شود اینگونه نوافل را بجای آورد. اختلاف دیگر این است که شافعی می گوید انجام نافله به شرح مذکور در غیر سفر جایز نیست ولی امامیه معتقد است در سفر و غیر سفر می توان نافله را بر روی مرکب و در حال راه رفتن و بدون استقبال قبله بجای آورد. شیخ طوسی به یک مسئله اختلافی دیگر بین عامه و خاصه پرداخته و آن استقبال فرد مسافر به جهت سفر اوست. شافعی می گوید: اگر مسافر نماز نافله را رو به قبله نخواند، باید رو به جهت سفرش بخواند. پس اگر نافله ای از مسافر بر روی مرکب و یا در حالت حرکت خوانده شود که نه رو به قبله است و نه رو به جهت سیروسفرش، چنین نمازی باطل است. اما امامیه معتقد است که نافله را می تواند در سفر به هر طرفی که خواست بخواند.

۳. قرائت:

در فرائض بعد از خواندن حمد، باید یک سوره تمام را خواند اما در نوافل می شود دو سوره یا بیشتر را خواند. علاوه بر این قرائت عزائم یا سوره های سجده دار در فرائض جایز نیست اما در نوافل می توان این سوره را خواند. این حکم بر اساس روایاتی است که در متون روایی ما آمده است. مثلاً شیخ طوسی در «استبصار» فصلی را تحت عنوان «القرآن بین السورتین» باز کرده و روایاتی را در مورد جواز قرائت دو سوره در نوافل و عدم جواز آن در فرائض جمع آوری کرده است. در روایت نخست فردی از امام صادق (ع) سؤال می کند که آیا می شود دو سوره را در یک

رکعت خواند؟ امام ابتدا می‌فرماید: آری. سائل می‌پرسد: آیا گفته نشده که حق هر سوره را در نماز باید بجای آورد و آن رکوع و سجده است؟ در واقع سؤال کننده می‌خواهد بگوید در یک رکعت نمی‌توان دو سوره را خواند چون حق آن رعایت نمی‌شود. امام صادق می‌فرماید: بله در فریضه همین است که گفتی، اما در نافله اشکال ندارد.

روایت دوم از امام باقر(ع) نقل شده و بر کراهت جمع دو سوره در فریضه و عدم کراهت جمع دو سوره در نافله تصریح دارد. لذا اکثر فقها قرائت دو سوره را در فرائض مکروه می‌دانند.

لازم به ذکر است که نظر شیخ طوسی در خصوص قرائت دو سوره در فریضه در بعضی از آثارش با هم اختلاف دارد. مثلاً در دو کتاب نهاییه و مبسوط خود می‌گوید جمع دو سوره جایز نیست. و در نهاییه تصریح می‌کند که این کار سبب ابطال نماز است. اما در استبطار همانطور که ملاحظه شد معتقد است این عمل مکروه است. البته قول به کراهت را بسیاری از متأخرین پذیرفته‌اند و نظر مشهور همین است. اما در خصوص جواز جمع دو سوره در نوافل اختلافی وجود ندارد.

۴. سهو در نافله

سهو در نافله وجود ندارد. شیخ صدوق با استفاده از روایتی که در متون روایی آمده است می‌گوید: لا سهو فی النافله این روایت در تهذیب و کافی و وسائل الشیعه ذکر شده است. مرحوم سلار در کتاب «المواسم» و نیز شیخ طوسی در «المبسوط» و عده‌ای دیگر به سه نوع «سهو» اشاره کرده‌اند که برای نماز گزار مجاز است و نباید به آن اعتنا نمود و در صورت تحقق آنها چیزی بر عهده نماز گزار نیست. و آنها عبارتند از:

اول: سهو در سهو

اگر کسی در نماز سهو نمود و بلافاصله در سهو خود سهو کند نباید به آن اعتنا کند.

دوم: سهو در نافله

پس اگر کسی در نوافل سهو کند می‌تواند بدون اعتنا به آن به هر صورتی که خواست ادامه دهد. البته فقهای چون شیخ طوسی فرمودند: «من سهی فی النافله بنی علی الاقل و ان بنی علی الاکثر جاز» یعنی بدون اعتنا به سهو می‌تواند بنا را بر اقل یا اکثر گذارد.

سوم: سهو در چیزی که امکان تدارک آن نیست.

پس سهو در آنچه که زمان انجام آن گذشته است، غیر معتبر است. مثلاً سهو در تسبیح رکوع یا سجده بعد از سر بلند کردن.

شک در نافله نیز از جمله شکهایی است که نباید به آن اعتنا نمود. بنابر این اگر کسی در شماره رکعت نوافل شک کرد به تناسب نوع نماز می تواند بنا بر اقل و یا بنا بر اکثر بگذارد. اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل می کند باید بنا بر کمتر گذارد و اگر طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی کند به هر طرف شک که خواست عمل کند.

شیخ طوسی در «الخلاف» می گوید اکثر فقهای اهل تسنن معتقدند که حکم نافله در سهو مانند حکم فریضه است و بین آنها تفاوتی نیست. و سپس «دلیل برای رأی فقهای شیعه در مورد جواز سهو در نافله مطرح می کند. اول اجماع فقها و دوم اصل براءت ذمه و سوم روایات و احادیثی که بر جواز سهو دلالت دارند.

۵. آشامیدن آب

خوردن و آشامیدن یکی از مبطلات نمازهای واجب است. اما آشامیدن در نوافل جایز است. فقهای امامیه در این مورد می گویند: «روی ان شرب الماء فی النافله لا باس به» در این مورد روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فردی بنام سعید اعراج از ایشان پرسید که من اگر نیت روزه کنم و مشغول نماز شب شوم و در حال قنوت و تر باشم و تشنگی به من روی آورد و نخواهم دعا و نماز را قطع کنم تا جرعه ای آب بنوشم و از طرفی نمی خواهم اذان صبح شده و من همچنان تشنه باشم. در مقابل من هم ظرف بزرگ آب است که دو تا سه قدم با آن فاصله دارم. حضرت فرمود: می توانی به طرف آب حرکت کرده و به مقدار نیارت آب بنوشی و به نماز و دعا بازگردی. البته در این مورد شافعیه معتقد است که فرقی بین نافله و فریضه نیست و آشامیدن آب نه در فرائض و نه در نوافل جایز نیست.

۶. نافله خواندن در کعبه

در فقه شیعه تصریح شده است که خواندن فریضه در خانه خدا جایز نیست. اما نه تنها نافله استثناء شده، بلکه اقامه نافله در جوف کعبه مستحب و مطلوب است.

شیخ طوسی می‌گوید ابوحنیفه و اهل عراق و شافعی، بین فریضه و نافله در این مسئله تفاوتی قائل نبوده و معتقدند اقامه فریضه در جوف کعبه جایز است. او سه دلیل را برای نظر فقهای شیعه مطرح می‌کند. نخست اجماع فقها و دلیل دوم آیه ۱۴۴ سوره بقره که می‌گوید «حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره» یعنی شما مسلمانان هم هر کجا که هستید چهره خود را به طرف کعبه برگردانید. شیخ طوسی می‌گوید چهره و وجه آدمی زمانی به سوی کعبه خواهد بود که خارج از کعبه باشد. پس اگر شخص داخل کعبه باشد نمی‌تواند روی خود را به طرف آن بگرداند. و در نتیجه نماز او جایز نیست. دلیل سوم روایاتی است که در این مورد آمده است.

۷. زوجیت رکعات نوافل

عدد رکعات فرائض باید ۲ و ۳ و ۴ باشد. اما در نوافل باید پس از هر دو رکعتی، تشهد و سلام بدهد. بنابراین این نافله ۳ رکعتی یا بیشتر نداریم. البته ابوحنیفه معتقد است که نمازهای نافله باید چهار رکعتی باشد. اما شافعی معتقد است که نوافل بهتر است دو رکعتی باشد.

گراهت نوافل

توصیه و تأکیدات شارع مقدس در خصوص نوافل، هرگز به این معنا نیست که انسان در همه دقائق و اوقات زندگی خود به اقامه نمازهای نافله بپردازد. بلکه برخی از اوقات شبانه روز، اقامه نوافل مکروه بوده و در بعضی از روزهای سال نیز، خواندن نافله جایز نیست.

شیخ طوسی در کتاب «الاقتصاد الهادی» خواندن نماز نافله در پنج وقت از اوقات شبانه

روز را مکروه دانسته است. این اوقات عبارتند از:

- ۱- بعد از نماز فریضه صبح
- ۲- هنگام طلوع خورشید
- ۳- هنگامی که خورشید در وسط آسمان است در هر روز هفته به غیر از جمعه
- ۴- بعد از عصر
- ۵- هنگام غروب خورشید

موارد استثناء

شیخ طوسی سه مورد را در اوقات مذکور استثناء کرده و می‌گوید نافله‌ای که یکی از این سه سبب را داشته باشد در همین اوقات پنجگانه جایز است:

اول: تحیت مسجد

دوم: زیارت مسجد

سوم: قضاء نافله

عدم جواز نوافل

طبق نظر بعضی از فقهاء، نماز مستحبی در دو وقت جایز نیست:

۱- قبل از نماز عید

۲- بعد از نماز عید تا قبل از زوال

فقط در شهر مدینه نماز مستحبی قبل از نماز عید و قبل از خروج به مصلی استثناء شده است.

نتیجه گیری:

۱. نوافل موجب کمال و قرب آدمی است. و اهل دل و سالکان طریق عشق بدون نوافل نمی‌توانند این راه پرخطر را طی کنند.

۲. اقامه نوافل سبب رفع کاستی‌ها و نواقص نمازهای واجب است.

۳. جعل استثناء در نوافل جهت تسهیلات بیشتر و ترغیب و تشویق افراد به انجام نوافل است.

۴. نوافل دو رکعتی هستند.

۵. مطلوبیت نافله به معنای جواز تحقق آن در همه اوقات و روزهای سال نیست، بلکه اقامه

نوافل در بعضی از اوقات شبانه روز مکروه بوده و در برخی از روزهای سال جایز نیست.

فهرست منابع:

۱. الفراهیدی، الخلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق الدكتور مخزومی، الطبعة الثانية، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹، ج ۸
۲. الجواهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، الطبعة الرابعة، دارالعلم بیروت، ج ۵.

۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ذیل کلمه نافله.
۴. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، جلاء الاذهان (تفسیر گازر)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷، ج ۶.
۵. خزاعی نیشابوری، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۱۳.
۶. کاشانی، ملافتح اله، منهج الصادقین، کتابفروشی اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش، ج ۶.
۷. منوچهری دامغانی، دیوان ۱۳۳۸، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات زوار.
۸. سلمان، مسعود سعدی دیوان ۱۳۶۲، به تصحیح رشید یاسمی، تهران انتشارات امیر کبیر.
۹. ملک الشعراء بهار، دیوان اشعار
۱۰. مولوی، غزلیات شمس، غزل ۶۶۹.
۱۱. الشیخ الطوسی، المبسوط، تحقیق محمد تقی کشفی، المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۷ ق، ج ۲.
۱۲. ابن بابویه، علی، فقه الرضا، مؤسسه آل البيت.
۱۳. الشیخ الصدوق، الهدایه، مؤسسه الامام المهدی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸، قم.
۱۴. الشیخ المفید، المقنعه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. به نقل از: المحقق البحرانی، الحدائق الناضرة، تحقیق محمد ابروایی، جامعه مدرسین قم، ج ۶.
۱۶. سلارین عبدالعزیز، المراسم العلویه، تحقیق سید محسن امینی، چاپ قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. تهذیب، ج ۲، حدیث ۱۳۵۴ و نیز من لایحضره الفقیه، ج ۱.
۱۸. ابن حمزه طوسی، الوسیله الی نبیل الفضیله، تحقیق محمد حسون، مکتبه السید المرعشی، قم، ۱۴۰۸.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی